



Paper type:  
Research paper

## Abstract

# Representing the Lived Experience of Mothers in Preparing their Daughters to Perform their Religious Duties

■ Fatima Ramazani<sup>1</sup> ■ Reza Ja'fari Harandi<sup>2</sup>

- **Objective:** The present study aims at collecting and explaining the lived experience of mothers who consider themselves successful in devotional education of girls.
- **Method:** To conduct this study, phenomenological method has been used. The statistical population consisted of the mothers of adolescent girls in Qom, among whom thirteen subjects were selected as the sample group through purposive sampling method. Semi-structured interviews were used to collect information and Colaizzi method was used to analyze the findings.
- **Findings:** After analyzing and adjusting the results, the components related to preparing girls for religious duties have been mentioned and explained in the form of 7 main themes and 20 sub-themes. The main themes are using religious spaces and ceremonies, using childish entertainment and tools, using incentives, role modeling, seeking participation and accountability, training and practice, supervision and correction.
- **Conclusion:** Based on the results of the present study, it is suggested that mothers pay heed to the childhood period of their children, not delaying the religious upbringing of their children. To accomplish this important task, they must take advantage of experienced methods, so that at older ages, their children follow up religious duties with more ease and commitment.

**Keywords:** lived experience, mothers, religious duties, preparing daughters

- **Citation:** Ramazani, F., Ja'fari Harandi, R. (2022). Representing the Lived Experience of Mothers in Preparing their Daughters to Perform their Religious Duties, *Applied Issues in Islamic Education*, 7(2): 81-108

Received: 2022/02/04

Accepted: 2022/04/30

Published: 2022/08/23

1. An Assistant Professor in Lorestan University, the Department of Educational Sciences, KhorramAbad, Iran.

E-mail: ramezani.f@lu.ac.ir  0000-0002-5173-8713

2. **Corresponding Author:** An Associate Professor in the Department of Educational Sciences, the Faculty of Literature and Humanities, Qom University, Qom, Iran.

E-mail: rjafarih@gmail.com  0000-0001-6533-6275







پژوهشگاه مطالعات  
آموزش و پرورش



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش  
و برنامه‌ریزی آموزشی



پژوهشگاه  
تعلیم و تربیت

# بازنمایی تجربه زیسته مادران در مهیاسازی فرزندان دختر برای انجام تکالیف عبادی

فاطمه رمضانی\* ■ رضا جعفری‌هرندی\*\*



- هدف: پژوهش حاضر با هدف بازنمایی تجربه زیسته مادران در مهیاسازی فرزندان دختر برای انجام تکالیف عبادی صورت گرفته است.
- روش: روش تحقیق، پدیدارشناسی است. جامعه آماری، مادران دختران نوجوان شهر قم می‌باشند، که از میان ایشان براساس روش نمونه‌گیری هدفمند، سیزده نفر به‌عنوان گروه نمونه انتخاب، و برای گردآوری اطلاعات از ایشان از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و برای تحلیل یافته‌ها از روش کلایزی استفاده شده است.
- یافته‌ها: پس از تحلیل و تنظیم نتایج، مؤلفه‌های مربوط به مهیاسازی دختران برای انجام تکالیف عبادی، در قالب ۷ مضمون اصلی و ۲۰ مضمون فرعی مورد اشاره و تبیین قرار گرفته است که مضامین اصلی عبارت‌اند از: بهره‌جویی از فضاها و مراسمات مذهبی، بهره‌گیری از سرگرمی‌ها و ابزارهای کودکان، استفاده از مشوق‌ها، الگودهی و مراقبت بر الگوها، مشارکت طلبی و تکلیف‌спاری، تعلیم و تمرین، نظارت و اصلاح.
- نتیجه‌گیری: براساس نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود مادران، سنین کودکی فرزندان‌شان را دریابند و تربیت عبادی دختران خویش را به تعویق نیندازند و برای تحقق این مهم، از راهکارهای تجربه شده بهره گیرند تا بعد از سن تکلیف، فرزندان‌شان با سهولت و تعهد بیشتری، پی‌گیر انجام وظایف عبادی خویش گردند.

واژگان کلیدی: تجربه زیسته، مادران، تکالیف عبادی، مهیاسازی دختران

## مقدمه:

بر دوش کشیدن تکالیف و مسئولیت‌های عبادی و دینی کاری سهل و بدون مشکل نیست و کف نفس را از سوی انسان طلب می‌کند؛ چرا که انسان در این مسیر از راحتی، لذت و مسائل دلخواهش دست می‌کشد تا آنچه را خداوند از او خواسته محقق کند و از آنچه خداوند از آن منع کرده، پرهیز نماید. درست بر همین اساس است که امام علی (ع) عنوان می‌کنند که سه چیز صبر انسان را می‌طلبد که یکی از آن‌ها طاعت و عبادت است و دیگری معصیت (کلینی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۹۱).

از آن‌جا که قرار است شروع اعمال عبادی و گردن نهادن به اوامر الهی از دوران کودکی و نوجوانی آغاز گردد، قاعدتاً تمهیداتی را می‌طلبد، و خواهان آمادگی‌هایی از سوی والدین است؛ تمهیداتی که گاه بنا بر توصیه‌های دینی حتی پیش از تصمیم به ازدواج باید آن‌ها را مدنظر داشت؛ چنان‌که به‌عنوان نمونه، پیامبر اسلام می‌فرمایند: «انْظُرْ فِيْ اَيِّ شَيْءٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۲: ۲۶۶). بر پایه آیات و روایات، تدابیر دیگری نیز وجود دارد که در زمان تصمیم به فرزندآوری و بارداری و شیردهی باید بدان‌ها توجه داشت؛ که یکی از آن‌ها دعا برای داشتن فرزندان صالح و متقی است؛ همان‌گونه که در قرآن می‌خوانیم: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان: ۷۴) و «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» (ابراهیم: ۴۰).

پس از این مقدمات بدون شک مهم‌ترین تمهید از سوی والدین، مهیاسازی و تربیت فرزندان برای عبودیت و انجام تکالیف عبادی است. «آیات و احادیث زیادی به صراحت به این مطلب اشاره دارد که یکی از وظایف اصلی والدین در حق فرزندان، آموزش مسائل و احکام مذهبی به آنان است» (صالحی‌زاده و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۲). طبق مفاد سیره، رجحان اعم از وجوب و استحباب توجه به تربیت دینی در محدوده احکام و مسائل مورد ابتلای فرزند اثبات می‌شود. البته اثبات وظایف تربیتی خانواده تنها متکی بر سیره نیست؛ بلکه مطابق مفاد آیات و روایات متعدد از جمله آیه ششم سوره تحریم و نیز مجموعه روایات تأدیب و رساله حقوق امام سجاد درباره وظایف تربیتی والدین قابل توجه و استناد است. و بی‌تردید مفید حکم، الزام و وجوب خواهد بود (اعرافی و ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۸۳ و ۸۴). این الزام و وجوب هم در ارتباط با پدران مطرح است و هم مادران؛ هر چند در این میان،

به واسطه «تعامل گسترده با فرزندان و بهره‌مندی از توانایی‌های عاطفی، مراقبتی، ارتباطی و رابطه همدلانه، در سلامت جسمی و رشد عاطفی، شناختی، تربیتی فرزندان و... مادران نقش ممتاز و منحصر به فردی دارند» (پناهی، ۱۳۹۴: ۱۰۶)؛ البته در کنار این عوامل از تأثیراتی که مادران در دوران حمل و شیردهی بر فرزندان دارند نیز نباید غافل شد. بر این اساس برعهده مادر و پدر است که به تربیت عبادی فرزندان خویش بپردازند و برای این جنبه مهم از تربیت دینی، تمام هم و خویشتن را مصروف دارند، و در این راستا تلاش نمایند تا فرزند «با فواید و آثار نماز و روزه آشنا شود، عادت و تعهد به خواندن نمازهای یومیه و روزه‌های ماه رمضان پیدا کند، با نمازهای واجب و عبادات و اعمال واجبی که در آینده مورد ابتلای او خواهد بود، آشنا شود» (داوودی، ۱۳۹۰: ۶۸). توجه به این نکته نیز مهم است که تربیت عبادی منفک از تربیت اعتقادی نیست و این دو با هم ارتباط وثیقی دارند، بنابراین وقتی قرار است فرزند مهمی از انجام تکالیف عبادی گردد، قطعاً ضمن آشنایی و ایجاد شوق و عادت در او برای انجام عبادات، شناخت او در رابطه با خداوند، پیامبران و ائمه نیز به عنوان اجزاء اساسی تربیت اعتقادی رقم می‌خورد و تربیت عبادی بدون پرداختن به این موارد عملاً بی‌معناست.

در این میان باید این مهم را در نظر داشت که، بذریع ایمان و مسئولیت‌پذیری در برابر ذات باری تعالی ذره ذره در دل و جان انسان جای می‌گیرد و اندک‌اندک به‌بار می‌نشیند، و چنان نیست که دختران در ۹ سالگی و پسران در ۱۵ سالگی، بدون زمینه‌سازی قبلی ردای بندگی بر تن کنند و بدون اما و اگر و سستی، و با اراده و برای همیشه، به تکالیف دینی و عبادی معتقد و عامل و پای‌بند باشند. «سال‌های اول زندگی زمان بسیار مهمی برای رشد و توسعه دینی است که معمولاً از طریق ارتباط با والدین یا مراقبت کودک حاصل می‌شود» (طهماسب‌نژاد و آرین، ۱۳۹۹، زرین‌جوی‌الوار و فیاض، ۱۳۹۶). خانواده‌هایی که از فرصت دوران کودکی برای این منظور استفاده نمی‌کنند، فرزندان‌شان در دوران نوجوانی و بزرگسالی با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند؛ «تحقیقات نشان می‌دهد بسیاری از افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادات سستی از خود نشان می‌دهند بی‌اعتقاد به دین و تکالیف دینی نیستند بلکه عواملی چون بی‌توجهی و یا عدم تقید والدین نسبت به انجام به موقع تکالیف عبادی، عدم ورزیدگی کودکان در انجام عبادات در کودکی، و ناآگاهی آنان از فلسفه و اهمیت عبادات در این زمینه نقش دارند»

(ملکی، شاملی و شکراللهی، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

آنچه تا بدین جا مشخص و عیان گردید، وظیفه و نقش تعیین کننده والدین و به خصوص مادران در تربیت دینی و عبادی است که باید در راستای عمل به تکلیف خویش و نقش زنی تربیتی بر وجود فرزند و عبدپروری، دوران کودکی را غنیمت دانند و پیش از سنین تکلیف فرزندانشان به این مهم اهتمام ورزند. بر این اساس در پژوهش حاضر و به شکل خاص، بازنمایی تجربه زیسته مادران در مهیاسازی فرزندان دختر برای انجام تکالیف عبادی مدنظر قرار می گیرد. تحقیقات مرتبط با این موضوع بدین قرار است:

ملکی و همکاران (۱۳۹۰). در تحقیق خود با عنوان «تربیت عبادی کودکان» به بررسی ضرورت تربیت عبادی کودکان، ضرورت بیان فلسفه اعمال عبادی و مسئولیت والدین در این زمینه پرداخته اند.

بختیاری (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «آموزش های دینی زنان مقدمه تربیت دینی فرزندان» با تأکید بر جایگاه تربیتی خاص مادران، به این نتیجه رسید که مهم ترین نیاز آموزشی زنان برای این مهم، به ترتیب در حوزه قرآن، احکام و اخلاق می باشد.

شکراللهی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان «مراحل تربیت عبادی معنوی با تأکید بر نماز و روزه» چنین می آورد: «در بین فروع دین، نماز و روزه بیش از دیگر اعمال عبادی، ضرورت آموزشی به کودکان از دوران کودکی را دارند. شروع رسمی آموزش نماز از ۷ سالگی و روزه از ۹ سالگی تعیین شده است. با رشد جسمی و ذهنی کودک، به تدریج زمینه تعلیم احکام و شرایط عبادات و همچنین آموزش سایر واجبات و مستحبات، مهیا می گردد».

ادیب و ضرغامی (۱۳۹۳) در نگاشته خود با عنوان «تربیت دینی کودک و نوجوان: نکته ها و روش ها» معرفی مکان ها و اعمال مقدسی مانند نماز و ایجاد خاطرات زیبا از آن ها، و توجه به جنبه معنوی تعطیلات مذهبی، احترام به حقوق دیگران، قصه گویی و دعا را در تربیت دینی مؤثر می دانند.

طیاری پور (۱۳۹۶)، در تحقیق خود با عنوان «اهمیت نقش مادر در تربیت دینی فرزندان»، به این نتیجه رسیده است که «در میان اعضای خانواده بیشترین سهم تأثیرگذاری وراثتی و تربیتی، از آن مادر است. مادر می تواند کودک را برای پذیرش حق آماده کرده، زمینه سلامت روانی او را فراهم کند. البته مادر برای ایفای نقش خود برای تربیت بهتر باید از اصول تربیتی آگاه باشد». کرمی، عطایی، هاشم زاده و اعزازی (۱۳۹۵)

نیز در تحقیق خود با عنوان «مادران چگونه در تربیت دینی فرزندان خود در خانواده نقش ایفا می‌کنند» چنین می‌نگارند: «آنچه که باید مدنظر قرار گیرد اخلاق و رفتار مادر است، چرا که کودک رفتار مادر را شاهد و نمونه قرار داده و مفاهیم مذهبی و اخلاقی را از او می‌گیرد. البته توجه به مسائلی از قبیل دوران بارداری و شیردهی مادر و همچنین تغذیه حلال و مناسب مادر و فرزندش و راهکارهای تربیت معنوی هم مهم می‌باشند». یزدخواستی، بابایی فرد و کیانی (۱۳۹۷)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی دانشجویان دانشگاه کاشان» به این نتیجه رسیدند که «میان ویژگی‌های شخصیتی و علمی اساتید، والدین و عوامل خانوادگی، ساختار قانونی دانشگاه، روش‌های تربیت دینی، محتوای متون دینی، جو کلی حاکم بر دانشگاه و تربیت دینی دانشجویان رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد».

غلامی، ذاکری و زینلی (۱۳۹۸) در نتایج پژوهش خود با عنوان «مطالعه چگونگی نهادینه کردن نماز خوانی فرزندان نوجوان توسط والدین» چنین آورده‌اند: «برای نمازخوان شدن فرزندان، عوامل زمینه‌ساز عبارت است از ایجاد نگرش دینی در زندگی، الگوسازی، یکسانی عقیده و رفتار و رشد شخصی است. راهبردهای مورد استفاده والدین نیز در گستره‌ای از اقدامات قبل از تولد، تا اقدامات قبل از سن تکلیف، اقدامات حین و بعد از سن تکلیف فرزندان قرار می‌گیرد».

شریفی دروازه، نصراصفهانی و میرشاه جعفری (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «واکاوی روش‌های آموزش دینی مبتنی بر تجربه زیسته آموزگاران و متخصصان علوم دینی و تربیتی»، پرکاربردترین روش‌هایی که آموزگاران در آموزش دینی استفاده می‌کردند، را داستان گویی، تلفیق با دروس مختلف، پروژه یا واحدکار، ایفای نقش، مباحثه و پرسش و پاسخ، فرصت تجربه، قضاوت عملکرد و تمثیل و تشبیه می‌دانند.

در میان پژوهش‌های خارجی (Lines, 2006) در پژوهش خود در مورد نقش و اهمیت رفتارهای معنوی والدین بر فرزندان، چنین عنوان می‌کند که میزان مذهبی بودن افراد از آموزش‌های دوران کودکی، نوع فرزندپروری و نحوه رفتارها و برخوردهای والدین سرچشمه می‌گیرد. (Scott, Munson, McMillen and Ollie, 2007) در تحقیقی که درباره عقاید مذهبی والدین و تأثیر آن بر نگرش فرزندان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که فرزندان مذهبی به والدین خود نزدیک‌ترند و باورهای مذهبی والدین روی

ادراکات فرزندان تأثیر گذار است.

(Bertram-Troos, Roos and Miedema, 2007) در تحقیقی با عنوان «رشد هویت دینی نوجوانان در مدارس راهنمایی مسیحی: اثرات مدرسه و پیشینه‌های مذهبی نوجوانان و والدین آن‌ها» به این نتیجه رسیدند که مدرسه تأثیر عمده‌ای بر تعهدات دینی دانش‌آموزان ندارد و در این مسئله سوابق مذهبی دانش‌آموزان و والدین تأثیر گذار هستند.

(Aran and Nayeab, 2018) در پژوهش خود با عنوان «نقش والدین در تربیت دینی و اجتماعی فرزندان» اعتقاد والدین به خداوند، تربیت هدفمند، خودسازی اخلاقی زنان به عنوان مادران جامعه، تحکیم خانواده، استفاده از اصول آموزشی و ترغیب جوانان به ازدواج را از جمله راهکارهایی برای تربیت دینی می‌دانند.

(Bunnell, Yocum, Koyzis and Strohmeyer, 2018) در چکیده تحقیق خود با عنوان «مشارکت والدین در تربیت دینی کودکان ابتدایی: پژوهشی پدیدارشناسانه» چنین عنوان می‌کنند که متون کتاب مقدس - مسیحیت - مشارکت والدین را در آموزش دینی کودکان الزامی می‌کند. محققان نیز آن را مهم می‌دانند. این مطالعه پدیدارشناختی از طریق تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، اسناد سایت و یک گروه متمرکز به دنبال ارائه توصیفی غنی از تجربه والدین از مشارکت در تربیت دینی فرزندان ابتدایی است.

در پژوهش‌های فوق، محور تربیت دینی است که عمدتاً در آن‌ها به نقش والدین و مادران در برخی موارد به نقش اساتید و معلمان به‌طور کلی پرداخته شده است. در برخی از تحقیقات نیز به شکل خاص‌تری روش‌های تربیت دینی مورد بحث و مذاقه قرار گرفته است. تنها در یک مورد از تحقیقات داخلی، یک تکلیف عبادی (نماز) مورد توجه واقع شده و عوامل زمینه‌ساز این موضوع مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در یک پژوهش خارجی نیز با روش پدیدارشناسی تجربه والدین از مشارکت در تربیت دینی (مسیحیت) فرزندان ابتدایی مورد بررسی قرار گرفته است. همان‌گونه که هویداست، در هیچ‌یک از تحقیقات موجود، تجارب و تمهیدات واقعی و موفق مادران در آماده‌سازی دخترانشان برای انجام تکالیف عبادی، به شکل موردی و خاص، مورد توجه قرار نگرفته است.

براین اساس در پژوهش حاضر، به جهت پاسخ‌گویی به این سؤال که «مادران در مهیاسازی دختران برای انجام تکالیف عبادی، چه تجاربی دارند و از چه شیوه‌هایی بهره برده‌اند؟»، به مصاحبه با مادرانی پرداخته خواهد شد که دغدغه‌مندانه و حسابگرانه،



تمهیداتی را در جهت تربیت فرزندان دختر خویش به کار برده‌اند و با زمینه‌سازی درست ایشان را مهیای انجام تکالیف الهی در ۹ سالگی و پس از آن گردانیده‌اند و تجربه خود را در این امر موفق می‌دانند، چرا که فرزندان ایشان بعد از سن تکلیف، مسئولانه و به شکل خودجوش در حال انجام عبادات دینی خود هستند و بدان تعهد و عادت دارند.

## روش تحقیق:

برای رسیدن به هدف پژوهش از روش کیفی از نوع پدیدارشناسی استفاده شده است. جامعه تحقیق در پژوهش حاضر، مادران دختران نوجوانان ۱۰-۱۸ ساله شهر قم در سال ۱۴۰۰ بودند که گروه ۱۳ نفره نمونه از این میان به صورت هدفمند (غیر تصادفی) از میان مادران حاضر در هیأت مذهبی انتخاب شدند، و در مورد حجم نمونه نیز براساس اصل اشباع اقدام گردید. ملاک ورود به تحقیق، تمایل به مشارکت در پژوهش، داشتن فرزندان دختر در سنین نوجوانی و بعد از سنین تکلیف، باور مادران به داشتن تجارب موفق در تربیت عبادی فرزندان دختر خویش بود؛ ملاک توفیق ایشان نیز اذعان خود مادران، به انجام متعهدانه اعمال عبادی بعد از سن تکلیف از سوی فرزندشان بود. مدت زمان مصاحبه‌ها از ۲۵ تا ۳۵ دقیقه متغیر بود. جمع‌آوری مصاحبه‌ها ۱۲ روز به طول انجامید.

تجارب مادران، در ضمن مصاحبه نیمه ساختاریافته با یادداشت برداری ثبت، و برای رسیدن به مضامین اصلی و فرعی، کدگذاری و به روش کلایزی تحلیل شد.

از آن‌جا که برای اعتبارپذیری داده‌ها در این‌گونه از تحقیقات، دو شیوه کنترل اعضا و خودبازبینی پژوهشگر مورد استفاده است (عباس‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۴)، در پژوهش حاضر نیز براین اساس، نتایج در اختیار گروه نمونه قرار گرفت و نظرات آن‌ها اعمال شد. همچنین پژوهشگران در چندین نوبت به بازبینی نتایج پرداخته و اصلاحات لازم را در آن اعمال نمودند. برای محاسبه پایایی نیز از میان کل مصاحبه‌ها، ۳ نمونه به صورت تصادفی انتخاب و هرکدام از آن‌ها دوبار در فاصله زمانی ۱۴ روزه کدگذاری گردید. پس از این مرحله، به بررسی میزان توافق براساس فرمول زیر پرداخته شد. با توجه به نتیجه به دست آمده که بیشتر از شصت درصد می‌باشد، می‌توان گفت که پایایی پژوهش مناسب است.

$$\%100 \times \frac{\text{توافقات تعداد} \times 2}{\text{مجموع کل کدها}} = \text{درصد پایایی}$$

جدول ۱: نتایج بررسی پایایی در دو بازه زمانی

شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	پایایی آزمون (درصد)
۱۱	۱۶	۵	۶۲٪
۵	۲۰	۷	۷۰٪
۴	۲۹	۱۱	۷۵٪
کل	۶۵	۲۳	۷۰٪

جدول شماره ۲: ویژگی های جمعیت شناختی مصاحبه شوندگان

۱	۳۰-۳۵	سن مادران
۶	۳۵-۴۰	
۳	۴۰-۴۵	
۳	۴۵-۵۰	
۱	فوق دیپلم	تحصیلات
۸	لیسانس	
۳	فوق لیسانس	
۱	دکتری	
۴	خانه دار	وضعیت اشتغال
۹	شاغل	
۴	یک فرزند	تعداد فرزندان
۶	دو فرزند	
۳	سه فرزند	
۲	۱۰-۱۲	سن فرزندان دختر <sup>۱</sup>
۹	۱۳-۱۵	
۴	۱۶-۱۸	

۱. دو نفر از مادران مورد مصاحبه، دارای دو دختر نوجوان بودند که سن تکلیف را پشت سر گذاشته اند، براین اساس است که مجموع این بخش ۱۵ می باشد.

## یافته‌های پژوهش:

پس از تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از تجارب مادران در مهیاسازی دخترانشان برای انجام اعمال و تکالیف عبادی، در مجموع هفت مضمون اصلی شناسایی شد که هر کدام از این هفت مضمون، مضامین فرعی دیگری را نیز در بر می‌گیرند که در ادامه به این مضامین پرداخته شده است.

### ۱. بهره‌جویی از فضاها و مراسمات مذهبی:

بهره‌گیری مادران مورد مصاحبه از برنامه‌ها، مراسمات، فضا و شرایط مذهبی به جهت ایجاد حس و حال معنوی و رقم زدن خاطرات خوش برای فرزندان، در راستای تربیت عبادی، نخستین مضمون کلی حاصل شده است.

اولین مضمون فرعی این بخش، گردشگری مذهبی است؛ بدین معنی که مادران از فرصت مسافرت و گردش برای تربیت عبادی فرزند خویش بهره می‌جستند. مرتبط با این مضمون، سه تن از مادران تجارب خویش را چنین عنوان کردند:

مادر شماره ۱: هر وقت دخترانم را به حرم حضرت معصومه می‌بردم، کارهایی را انجام می‌دادم که آن‌ها خاطره‌های خوب از زیارت پیدا کنند و حضور در حرم و نماز جماعت آن‌جا برایشان خوشایند شود.

مادر شماره ۳: یک اصل مهمی که ما در مسافرت‌ها داشتیم؛ حضور در نماز جماعت مساجد تاریخی و یا جامع شهر بود. هم در نماز شرکت، و هم از مسجد بازدید می‌کردیم.

مادر شماره ۴: ما تقریباً در نماز جماعت تمام مساجد نزدیک منزل شرکت کرده‌ایم. من اصرار دارم که بچه‌ها مساجد مختلف را تجربه کنند و از حضور در فضاهای متفاوت لذت ببرند و دوستان مذهبی زیادی بدین واسطه برای خود پیدا کنند.

مضمون حاصل شده دیگر، حضور در مراسمات دینی است. در همین رابطه مادر شماره ۷ چنین عنوان نمود:

«شرکت در برنامه هیأت‌های مذهبی را به‌طور جدی دنبال کرده و می‌کنم؛ چون قرار گرفتن بچه‌ها در این فضا قطعاً تأثیر خودش را می‌گذارد».

**مادر شماره ۳:** نیز بیان داشت که: «به حضور در مراسمات روزانه مانند نماز جماعت و یا مناسبتی مثل جشن و روضه‌ها، تمایل داشتم. وقتی فرزندانم کوچک بودند، آن‌ها را همراه خود می‌بردم، زمانیکه دخترم بزرگ‌تر شد خودش مشتاقانه مرا همراهی می‌کرد».

مضمون فرعی سوم در این بخش، برگزاری باشکوه جشن تکلیف برای دختران در ۹ سالگی است. تجربه تربیتی ۴ تن از مادران بدین شرح است:

**مادر شماره ۱۱:** پیش از جشن تکلیف برای دخترم جا انداختم که از این سن به بعد تو بیشتر مورد توجه خدا هستی و خداوند دوست دارد تو کارهای خوب را انجام دهی و با او حرف بزنی و او را عبادت کنی و... میلاد امام رضا (ع)، را به عنوان روز جشن انتخاب کردم؛ همکاران، اقوام و دوستان را به جشن دعوت کرده و جشنی مفصل‌تر از جشن‌های تولد برای او برگزار کردم. جشن تکلیف دخترم با برنامه مولودی و شادی همراه شد؛ دخترم از اینکه می‌دید در کانون توجه است، لذت می‌برد.

**مادر شماره ۲:** جشن تکلیف برای دختران باید جدی گرفته شود و طعم آن تا ابد در ذائقه آن‌ها بماند. به همین خاطر من از مدتها پیش برای جشن تکلیف دخترم برنامه‌ریزی کردم و سعی کردم این اتفاق خوب را در ذهن فرزندم حک کنم.

**مادر شماره ۵:** از یکسال پیش از مکلف شدن، بشارت جشن تکلیف را به دخترانم داده، و آن‌ها را منتظر و مهیای این جشن نمودم؛ در زمان موعود، برایشان جشن گرفتیم.

**مادر شماره ۶:** در مدرسه‌ای که دختر من در آن تحصیل می‌کرد، جشن تکلیف ساده‌ای برای بچه‌ها برگزار می‌شد. از آن جا که خودم معلم و عضو انجمن اولیا و مربیان بودم، با کمک اولیا جشنی مفصل را تدارک دیدیم و با تهیه لباس‌های شکیل و خاص و برگزاری یک روزه مراسم در یک حسینیه، شروع خاطره‌انگیزی را برای بچه‌ها رقم زدیم.

## ۲. بهره‌گیری از سرگرمی‌ها و ابزارهای کودکان:

با تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها مشخص شد که مادران در سنین کودکی از بازی‌ها و قالب‌های خوشایند، برای تربیت دینی و مهیاسازی کودکان برای عبادت بهره برده‌اند؛ براین اساس مضمون اصلی بهره‌گیری از سرگرمی‌ها و ابزارهای کودکان و سه مضمون فرعی آن سامان یافتند.

تجربه استفاده از شعر و داستان از سوی مادران این‌گونه بیان شد:

**مادر شماره ۵:** من همیشه برای دخترانم قصه می‌گفتم چون بسیار قصه را دوست داشتند و بسیار تحت‌تأثیر شخصیت‌ها و محتوای قصه‌ها قرار می‌گرفتند؛ غالباً هم سعی می‌کردم قصه‌هایی با درون مایه دینی و اخلاقی را انتخاب و برای دخترانم نقل کنم. خیلی از مسائل دینی و عبادی را هم همین‌طور برای آن‌ها جا انداختم.

**مادر شماره ۱۱:** برای دخترم زیاد قصه می‌گفتم، بعد از قصه هم، نتیجه کار خوب و بد شخصیت‌های داستان را برای او باز و تحلیل می‌کردم و با هم در رابطه با نتیجه داستان صحبت می‌کردیم.

**مادر شماره ۷:** کتاب‌های آذر یزدی را برای دخترم تهیه کردم و او از ۸ سالگی شروع به مطالعه آن‌ها کرد. خیلی از مسائل اخلاقی و سبک زندگی دینی را از طریق همین داستان‌ها یاد گرفت.

**مادر شماره ۹:** از شعر برای آموزش فرزندم بسیار استفاده کرده‌ام؛ شعر روی فرزند من تأثیر بسیاری داشت و باعث می‌شد مباحث و مفاهیم مختلف راحت‌تر در ذهن او بنشینند. به عنوان مثال فرزند من از طریق شعر به آسانی با ۱۴ معصوم آشنا شد و ایشان را شناخت. با کتاب شعر نیز سوره حمد و نماز و ... را آموخت. جالب است این نکته را هم بگویم که من با شعرهای ساده و در واقع جملاتی که فقط آهنگ ساده‌ای داشت فرزندم را به انجام تکالیف عبادی، خانوادگی و ... ترغیب می‌کردم.

بهره‌جویی مادران مورد مصاحبه از قالب بازی، از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر بود. برخی از اظهار نظرهای مادران در این زمینه در ادامه آمده است.

**مادر شماره ۸:** دختر و پسر من مسابقه و بازی را بسیار دوست دارند و من از این علاقه بچه‌ها سعی می‌کنم که استفاده زیادی ببرم. مثلاً یکی از بازی‌ها و مسابقات در منزل ما، مسابقه و لب خوانی مولودی‌ها و مداحی‌هاست. از دیگر مسابقات ما در ماه رمضان، مسابقه آماده کردن سفره افطار است. من حتی نماز را هم به شکل مسابقه برای بچه‌ها جذاب می‌کنم.

**مادر شماره ۴:** دخترم، خاله بازی را خیلی دوست داشت؛ در طی این بازی سعی می‌کردم که مفاهیم و وظایف دینی و اخلاقی را بگنجانم. مثلاً نماز خواندن با عروسک‌ها به جماعت؛ حجاب کردن عروسک‌ها پیش نامحرم و...

**مادر شماره ۹:** بازی و مسابقه‌ای که من با دخترم داشتم، مسابقه آشنایی با مباحث دینی و احکام و... بود.

کاردستی و نقاشی، از دیگر ابزارهای به کار رفته توسط مادران در راستای تربیت دینی و عبادی بود. در همین رابطه **مادر شماره ۴** چنین عنوان نمود:

«چون دختر من به کارهای ابتکاری و خلاقانه و کاردستی، علاقه داشت و دارد، من به این علاقه‌مندی او توجه داشتم و او را در این مسیر هدایت می‌کردم. می‌توانم از کارهای او به تهیه جانماز ساده‌ای که با روبان و پولک تزیین شده اشاره کنم»؛ و **مادر شماره ۱۰** گفت:

«نقاشی برای کودکان بسیار جذاب است. از کارهایی که می‌توان با بچه‌ها انجام داد و من حداقل دوبار آن را تجربه کرده‌ام، تولید مجموعه نقاشی است. به این صورت که من قصه‌ای کوتاه را برای فرزندم می‌گفتم و او در صفحات مختلف تصاویر قصه را می‌کشید و بعد از اتمام طراحی و رنگ آمیزی، متناسب با تصاویر، قصه را می‌نوشت و به این صورت یک کتاب مشترک تولید می‌کردیم».

### ۳. استفاده از مشوق‌ها:

استفاده از تشویق، و ترغیب کودکان به انجام تکالیف عبادی به وفور از سوی مادران مورد اشاره و تأکید قرار گرفت؛ این شیوه شاید از معدود مواردی بود که تقریباً تمام افراد مورد مصاحبه بر ارزش و تأثیر آن اذعان داشتند. تجارب تربیتی برخی از والدین در رابطه با مشوق‌های معنوی و همین‌طور مشوق‌های مادی چنین است.

در رابطه با بهره‌گیری از مشوق‌های معنوی، مادر شماره ۸ چنین عنوان کرد:

«اولین باری که دخترم روزه گرفت، با تمام مشغله‌ای که داشتم، تدارک افطاری دیدم و برخی از اقوام را دعوت کردم تا در هنگام افطار، دخترم از زبان افراد مختلفی مورد تشویق و تحسین قرار بگیرد».

مادر شماره ۹ نیز بیان داشت که: «سعی کرده و می‌کنم به شکل کلامی با کلماتی مثل آفرین دخترم گلم، باریک‌الله، ماشاءالله و... دخترم را تشویق کنم. از دیگر کارهایی که قبل از به تکلیف رسیدن دخترم انجام می‌دادم این بود که در برابر کارهایی مثل حفظ حجاب و خواندن نماز و ... جایزه‌هایی خاص به او می‌دادم؛ به عنوان مثال هر وقت نماز می‌خواند من هم با او خاله‌بازی می‌کردم، یا وقتی شب‌های احیا بیدار می‌ماند، افطار روز بعد غذایی را که دوست داشت مهیا می‌کردم».

برخی تجارب مادران در استفاده از مشوق‌های مادی نیز به شرح زیر است:

مادر شماره ۶: تشویق و ترغیب بچه‌ها در آمادگی آن‌ها برای انجام و تکرار اعمال دینی بسیار تأثیرگذار است. دختران خودم و حتی دختران اقوام وقتی به سن مدرسه می‌رسیدند اولین چادر نماز را من برایشان تهیه می‌کردم و به آن‌ها هدیه می‌دادم. اولین بار هم که دخترانم روزه کله‌گنجشگی گرفتند جایزه‌ای برای آن‌ها تهیه کردم و وقتی موفق به گرفتن تمام روزه‌های خود شدند، هدیه‌ای به یادماندنی برای هریک از آن‌ها تهیه کردم.

مادر شماره ۸: همیشه جوایز کوچک و مناسبی در خانه داشتم و قبل از سن تکلیف و حتی بعد از آن، اگر دختر و حتی پسرم کاری اخلاقی و مناسب و یا عبادت خاصی را انجام می‌دادند، از آن‌ها به فرزندانم می‌دادم و زمانی که کوچک‌تر بودند به آن‌ها می‌گفتم چون فرشته‌ها از کار شما خوشحال شدند، برای شما هدیه آوردند.

مادر شماره ۲: ما اولین طلا را برای دخترم بعد از انجام اولین تکالیف عبادی‌اش خریدیم. تا هم او را تشویق کنیم و هم به واسطه آن به او بفهمانیم که بزرگ شده و با گذشته فرق کرده است؛ در واقع آن قطعه طلا نشانه‌ای برای او شد.

**مادر شماره ۳:** یکی از کارهایی که من برای دخترم و برای ترغیب او به مسجد رفتن و انجام تکالیف انجام دادم، دادن هدیه‌های کوچک و بدون برنامه و اطلاع قبلی به او بود. یعنی بعد از مدتی که مرتب نماز می‌خواند و من را برای رفتن به مسجد همراهی می‌کرد. در همان مسجد هدیه‌ای به او می‌دادم و بدین وسیله او را تشویق و ترغیب به ادامه این اعمال می‌کردم.

#### ۴. مشارکت طلبی و تکلیف سپاری:

برخی از مادران مورد مصاحبه به نکاتی اشاره داشتند که به نظر بر تربیت فرزندان به طور کلی و تربیت عبادی به طور خاص تأثیرگذار است. این نکات ظریف اما مهم، با عنوان کلی تکلیف سپاری و مشارکت طلبی همراه با مضامین فرعی و نقل قول مادران، در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

مشارکت دادن دختران در فعالیت‌های مرتبط با مراسمات و برنامه‌های دینی و مذهبی از دیگر تجارب تربیتی مادران بود. در همین رابطه **مادر شماره ۱** عنوان داشت: «از سنین قبل از مکلف شدن، دو دختر خود را به مسجد و مراسمات مذهبی و هیأت‌های بزرگ و حتی خانگی می‌بردم و با همکاری مجریان برنامه، فرزندانم را به همکاری فرا می‌خواندم و آن‌ها را در اموری چون باز کردن سجاده‌ها و پخش قرآن در بین مردم و پذیرایی ... مشارکت می‌دادم».

**مادر شماره ۱۱** نیز گفت: «در مراسمات مذهبی، از همکاری دخترم در پذیرایی مراسم استفاده، و او را تشویق به این کار می‌کردم».

افزون بر دعوت به مشارکت و همکاری، برخی مادران بر پایه تجربه خویش بر این موضوع تأکید داشتند که باید برای تمام فرزندان از جمله دختران، تکالیفی را مقرر کرد و درباره چگونگی عملکردشان در آن مسئولیت خاص از ایشان پاسخ خواست. در همین رابطه **مادر شماره ۶** چنین بیان داشت:

«تکالیف مختلفی را به دخترانم می‌سپردم. خصوصاً در روزهای جمعه برای انجام امور منزل هرکس تکلیفی را عهده‌دار بود که قبل از شرکت در نماز ظهر جمعه باید آنرا به انجام می‌رساند. تکلیف هر کدام از فرزندان، بخصوص دخترانم در روزه‌های خانگی که در منزل برگزار می‌کنیم نیز



مشخص و تعیین شده از قبل بوده و هست».

**مادر شماره ۳** نیز گفت: «قبل از رفتن به مسجد و هیأت‌های مذهبی، به فرزندم که بسیار علاقه‌مند به شرکت در مراسمات بود و دوستان مسجدی زیادی نیز داشت، مسئولیت‌هایی می‌سپردم که با به پایان رساندن آن‌ها و کمک به من در مهیاشدن برای خروج از منزل، در برنامه شرکت می‌کردیم؛ اما زمانی که دخترم وظایف خودش را انجام نمی‌داد، برنامه را کنسل می‌کردم تا فرزندم مسئولیت‌پذیری را با همین امور کوچک بیاموزد».

### ۵. الگودهی و مراقبت بر الگوها:

از دیگر حساسیت‌های مادران مورد مصاحبه، تأثیرگذاری افراد و شرایط و مسائل مختلف بر تربیت دینی و اخلاقی فرزندان‌شان، و توجه ایشان به این مسائل و مراقبت‌شان در این مورد بود. مضامین فرعی، دیدگاه‌ها و نکات مرتبط با این دغدغه مهم در ادامه آمده است.

در همین رابطه برخی از اقدامات و تجارب تربیتی مادران، منتهی به شکل‌گیری مضمون فرعی «مواظبت بر الگوهای بیرونی و ارتباطات واقعی» گردید. شماری از این اظهارنظرها بدین شرح است:

**مادر شماره ۱۲:** به نظر من اگر ما بتوانیم دوستان خوبی بر سر راه فرزندانمان بگذاریم، کار اصلی را در تربیت دینی و عبادی و اخلاقی او انجام داده‌ایم. من همیشه تلاشم بر این بوده که فرزندانم دوستان خوبی داشته باشند.

**مادر شماره ۶:** فضای کلاس و مدرسه و معلمان و دوستان هم‌کلاسی، بر شکل‌گیری عقاید و اخلاق و رفتار بچه‌ها تأثیر گذارند؛ به همین دلیل همیشه سعی‌ام بر این بوده که مدرسه‌ای با فضای مذهبی را برای تعلیم و تربیت دخترانم انتخاب کنم. مدرسه‌ای که کادر آن وظایف دینی بچه‌ها را جدی بگیرند، نماز برگزار شود، بچه‌ها برای حجاب و روزه‌داری و .. تشویق شوند.

**مادر شماره ۱۳:** دوستان بچه خیلی مهم هستند؛ هر چقدر من در خانه امور مذهبی و اخلاقی را رعایت کنم اما با خانواده‌هایی رفت و آمد کنم که خیلی متفاوت و در تضاد با ما هستند یا در محل‌های باشم که فضای فرهنگی مناسبی

ندارد، بالاخره بچه من تأثیر می‌پذیرد. به همین دلیل من همیشه توجه داشتم که با چه کسانی رفت و آمد کنم و در چه محله‌ای ساکن شوم.

**مادر شماره ۱۰:** باید قبول کنیم عبادت سخت است. حالا اگر ما نظارت کنیم که فرزندان دوست مقیدی داشته باشد، ناخودآگاه از دوستش تأثیر می‌پذیرد و نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد و اخلاقی می‌شود. اما اگر با این حساب که بچه هستند و مهم نیست با چه کسانی دوست شوند، نظارت درستی بر دوستی بچه‌ها نداشته باشم، ممکن است این سهل‌گیری و آزاد بودن روی بچه ما تأثیر بدی بگذارد. بنابراین برای من همیشه و در هر زمانی مهم بوده و هست که فرزندم با چه کسی دوست شود.

**مادر شماره ۲:** «من حاضر شدم دخترم در مدرسه‌ای دورتر از منزل تحصیل کند و برایش سرویس بگیرم اما مدرسه مذهبی، و دوستانی مقید داشته باشد». از دیگر اقدامات، ارائه الگوهای برجسته و مناسب برخی از مادران به فرزندان خویش بوده است. به عنوان نمونه **مادر شماره ۷** عنوان داشت:

«خودم به کتب مربوط به دفاع مقدس علاقه دارم؛ هر وقت این کتاب‌ها را مطالعه می‌کنم، خلاصه آنرا برای دخترم نیز می‌گویم؛ از چند سال قبل از سن تکلیف، تا به امروز این برنامه را برای دخترم دارم. به نظر من قصه پیامبران و شهدا و بزرگان دین می‌تواند بر دینداری بچه‌ها مؤثر باشد».

دقت نظر مادران در رابطه با جایگاه الگویی اعضای خانواده در راستای تربیت عبادی، از دیگر نتایج پژوهش حاضر بود. در رابطه با این مضمون فرعی شماری از تجارب مادران بدین شرح است:

**مادر شماره ۵:** الگوگیری بچه‌ها از خواهر و برادر را باید جدی بگیریم. بچه‌های بزرگ‌تر از نظر دینداری و انجام اعمال عبادی و اخلاق و منش روی بچه‌های کوچک‌تر بسیار تأثیر دارند. من دو دختر دارم؛ روی تربیت دختر بزرگم به‌خاطر مشغله کمتری که داشتم بسیار کار کردم و وقت گذاشتم، زمانی که کارمند شدم و برای دختر کوچک‌ترم وقت کمتری داشتم به عینه می‌دیدم که خواهر کوچک‌تر همان رفتارها و اخلاقیات و عملکردی را از خود نشان می‌دهد

که خواهر بزرگ‌تر دارد. بنابراین در بحث رعایت حجاب و نماز و روزه دختر کوچکم مشکل نداشتم و این امور وقت زیادی از من نگرفت.

**مادر شماره ۱۰:** اگر والدین عامل به گفته‌هایشان خصوصاً در رابطه با مسائل عبادی و اخلاقی باشند، اصل کار را انجام داده‌اند، چون فرزندان از آن‌ها الگو برمی‌دارند؛ من و همسر سعی کرده‌ایم این‌گونه باشیم.

**مادر شماره ۱۳:** من تقریباً تنها کاری که برای تربیت دینی و اخلاقی دخترانم انجام داده و می‌دهم این است که روی خودم کار می‌کنم؛ تکالیف دینی‌ام را جدی و دقیق انجام می‌دهم.

**مادر شماره ۱۲:** سالهاست که اصرار دارم که جلو چشم دختر و پسر اعمال دینی‌ام را انجام دهم و آن‌ها را به‌طور غیرمستقیم دعوت به انجام این امور کنم و زمینه فراهم می‌کنم تا از من الگو بردارند.

نظارت بر ارتباطات و رسانه‌های مجازی، از دیگر مضامین فرعی حاصل شده از نظرات و اقدامات عنوان شده توسط مادران است؛ مرتبط با این مضمون، تجربه‌ای از دو مادر مورد اشاره قرار می‌گیرد.

**مادر شماره ۶:** قبل از کرونا گوشی را به مقدار کم و در حد بازی در اختیار دختر کوچکم قرار می‌دادم. با مجازی شدن آموزش نیز با توجه به اینکه دخترم در سنین حساسی هست، گوشی جدا برای او تهیه نکردم و با گوشی خودم به تحصیل پرداخت. جست‌وجوهای او نیز در گوگل تحت نظر خودم انجام می‌شود و برای مراقبت بیشتر اینستاگرام را هم از گوشی حذف کرده‌ام؛ چون این فضاها الگوهای درستی را در برابر بچه قرار نمی‌دهند و تمام تلاشم این است که بی‌حجابی و بی‌عفتی برای دخترانم عادی جلوه داده نشود.

**مادر شماره ۴:** ما ماهواره نداریم؛ کمتر از گوشی استفاده می‌کنیم. در سال‌های اخیر که دخترم مکلف شده، سعی می‌کنم زندگی در دنیای واقعی را تجربه کند و غرق در دنیای مجازی نشود. دخترم باید در دنیای واقعی به رشد و تشخیص برسد و خدا باور بشود و بعد اندک‌اندک بتواند از فضای مجازی هم بهره ببرد. تمایل ندارم الگوی دختر من بلاگرها و سلبریتی‌ها باشند.

## ۶. تعلیم و تمرین:

تعلیم و تمرین از ابتدایی ترین و بدیهی ترین روش ها و ابزارهای تربیت است. روشی که از سوی مادران نیز مورد توجه قرار گرفته و در راستای آماده سازی دختران برای انجام تکالیف عبادی و تربیت دینی به کار گرفته شده است. برخی از عملکردهای مورد اشاره مادران در قالب مقولات فرعی چون آموزش مستقیم، آموزش غیرمستقیم، آموزش عملی و تمرین و آماده سازی به ترتیب در ادامه می آید.

در بهره گیری از آموزش مستقیم برخی اقدامات والدین این گونه بوده است:

**مادر شماره ۱۳:** من از سه سالگی دخترم را با نام خدا و برخی اذکار و صلوات

آشنا کردم و هرچقدر بزرگ تر شد چیزهای بیشتری به او آموختم.

**مادر شماره ۴:** آموزش من با قرآن شروع شد از ۴ سالگی دخترم، با او قرآن

کار کردم؛ البته همراه با بازی و قصه. بعد هم در ۸ سالگی نماز خواندن و وضو گرفتن را به او یاد دادم؛ در آغاز ۹ سالگی هم راجع به روزه و تمام وظایف دینی برای او صحبت کردم و او را آماده جشن تکلیف ساختم.

**مادر شماره ۱۲:** آموزش رسمی من به دخترم از ۷ سالگی شروع شد. البته

اول مباحث ساده را به او یاد دادم و بعد کم کم و متناسب با سن، او را با اعمال و مباحث سخت تر آشنا کردم.

تعدادی از مادران از ظرفیت آموزش غیرمستقیم (با بهره گیری از یادداشت و نامه نویسی، خاطره گویی) نیز برای تربیت عبادی فرزندان خویش بهره برده اند؛ شماری از تجارب ایشان بدین قرار است:

**مادر شماره ۲:** از وقتی دخترم خواندن و نوشتن را یاد گرفت، شروع کردم

به نامه نوشتن برای او؛ من در قالب نامه بسیاری از مباحث را به او یاد دادم. چون دخترم از خواندن نامه های من لذت می برد و گاهی بارها و بارها آن را برای خودش مرور می کرد.

**مادر شماره ۴:** از کارهایی که همسرم به کرات انجام می داد تعریف خاطرات

خود از اردوها، برنامه های مسجد و هیات و... بود. با همین خاطرات خوش فرزندانم را عاشق حضور در مسجد و هیات کرد و در قالب این روش مباحث دینی و اخلاقی زیادی را به دخترم آموخت.

آموزش عملی، از دیگر اقدامات مادران بود. در همین رابطه مادر شماره ۱ عنوان می‌کند:

«یاد دادن برخی اعمال عبادی مثل وضو و نماز به شکل عملی ممکن است. من خودم این اعمال را اول برای دخترانم اجرا کردم و بعد از آن‌ها خواستم تا آن‌ها نیز این اعمال را انجام دهند».

مادر شماره ۵ نیز چنین می‌گوید: «به شکل عملی نماز را به دختر بزرگم آموختم و دختر کوچکم نیز به همین شکل نماز را از خواهرش آموخت؛ چرا که توضیح دادن این اعمال و یادگیری آن از سمت بچه، سخت‌تر از نمایش عملی آن است». مضمون فرعی دیگر این بخش، تمرین دادن و آماده‌سازی دختران برای انجام تکالیف عبادی است. مرتبط با این مضمون، اقدامات تربیتی مورد اشاره والدین در ادامه می‌آید.

مادر شماره ۹: من از یکسال قبل از روزه‌داری، دخترم را تشویق کردم که اگر می‌تواند برخی روزها را روزه کامل بگیرد و اگر نمی‌تواند تا هر ساعتی که کشش دارد روزه خود را نگه دارد. برای نماز هم همین‌طور، برخی شب‌ها او را تشویق می‌کردم تا برای نماز صبح بلند شود؛ اما تمام این کارها بدون سخت‌گیری بود. مادر شماره ۲: قبل از رسیدن به سن تکلیف برای دختر روسری و پیراهن بلند تهیه کردم تا اندک‌اندک به پوشش عادت کند.

مادر شماره ۶ و مادر شماره ۵ و مادر شماره ۱۱: چادر و روسری تهیه کردم برای دخترانم قبل از سن تکلیف اما برای پوشیدن آن‌ها سخت‌گیری نمی‌کردم.

مادر شماره ۴: برای آمادگی دخترم برای حفظ حجاب، از ۵، ۶ سالگی لباس‌های پوشیده اما رنگی و شیک و عروسکی برایش تهیه کردم تا حجاب داشتن را بیاموزد، و با آن احساس خاص و متفاوت بودن کند و حجاب را دوست داشته باشد.

مادر شماره ۱۲: من دخترم را کم‌کم با تکالیف دینی آشنا کردم و از دوسال قبل از تکلیف، با او همراهی و تمرین کردم تا زمانی که به سن تکلیف رسید و توانست اعمال دینی را به تنهایی و بدون دشواری زیاد انجام دهد.

**مادر شماره ۸:** قرآن و نماز خواندن من خیلی وقتها با همراهی بچه‌ها بوده و هست. از کودکی سعی می‌کردم بچه‌ها در زمان نماز کنارم باشند و حرکات من را تکرار کنند. ما قرآن را هم با هم و به شکل خانوادگی خوانده و می‌خوانیم. الان هم که دخترم مکلف شده، بیشتر مواقع نماز را با من همراه می‌شود چون عادت کرده و از این کار لذت می‌برد.

## ۷. نظارت و اصلاح

از نکات دیگری که در صحبت‌های مادران قابل برداشت و جمع‌بندی می‌باشد، نظارت بر عملکرد دختران و موضع‌گیری ایشان در برابر فراموشی، ضعف و کاستی فرزندان در انجام اعمال عبادی بعد از رسیدن به سن تکلیف است. در ادامه برخی از تجارب والدین در قالب این مضمون اصلی و مضامین فرعی مرتبط با آن مورد اشاره قرار می‌گیرد. تذکر، از اقدامات مورد اشاره مادران است. در این زمینه **مادر شماره ۸** عنوان می‌کند:

«با اینکه قبل از ۹ سالگی دخترم را آماده انجام تکالیف عبادی کرده بودم، بعد از سن تکلیف بعضا پیش می‌آمد که فراموش کند نماز بخواند و من به او تذکر می‌دادم که باید عبادت را جدی بگیرد و سروقت انجام دهد».

سایر مادران نیز درباره تجارب خویش چنین می‌گویند:

**مادر شماره ۲:** دخترم به‌خاطر بازیگوشی که داشت، فراموش می‌کرد که نماز بخواند و من باید به او گوشزد و یادآوری می‌کردم.

**مادر شماره ۹:** دخترم تا عادت کند جلو اقوام حجاب را رعایت کند طول کشید، با اینکه از قبل به او آموزش داده بودم و او را مهیا کرده بودم، گاهی فراموش می‌کرد که با تذکر من به خودش می‌آمد و به یاد می‌آورد و حجابش را رعایت می‌کرد.

**مادر شماره ۱۲:** باید برای انجام عبادت گاهی به دخترم تذکر دهم تا بفهمد موضوع جدی است و وظیفه‌اش را درست انجام دهد.

**مادر شماره ۱۰:** دخترها چون در سن پایین به تکلیف می‌رسند، به‌خاطر بازیگوشی و شیطنیت فراموش می‌کنند که وظیفه دینی خود را انجام دهند،

مادرها همان‌طور که راجع به انجام دادن تکالیف درسی حساس هستند و تذکر می‌دهند باید در رابطه با تکالیف دینی هم این‌گونه باشند. من خودم حساس بودم به انجام تکالیف دخترم و اگر فراموش یا کم‌کاری می‌کرد در نماز و روزه، تذکر می‌دادم.

در رابطه با تأدیب، نیز می‌توان به این اقدامات مادران اشاره داشت:

**مادر شماره ۴:** گاهی پیش می‌آمد که دخترم در انجام تکالیفی که بر او واجب شده بود تنبلی و سستی می‌کرد؛ مثلاً نمازش را تا آخرین لحظه نمی‌خواند یا می‌خواست که قضای آن را بخواند، من در این رابطه بی‌تفاوت نبودم و در چهاره‌ام ناراحتی‌ام را از این موضوع نشان می‌دادم.

**مادر شماره ۱۳:** من برای خودم جریمه معنوی داشتم، مثلاً اگر نمازم را به هردلیلی دیر می‌خواندم یا غیبت می‌کردم، خودم را تنبیه می‌کردم و صدقه می‌دادم و یا از چیزی خودم را محروم می‌کردم. بعد از تکلیف به دخترم هم این مسئله را گفته بودم، بنابراین او نیز اگر اشتباه و خطایی می‌کرد یا وظایف اخلاقی و دینی‌اش را به درستی انجام نمی‌داد، به راحتی تأدیب‌های من را پذیرا می‌شد و من هم معمولاً او را از چیزهای مورد علاقه‌اش به شکل موقت و کوتاه محروم می‌کردم.

**مادر شماره ۱۲:** تشویق و تنبیه در کنار هم جواب می‌دهند. من همان‌قدر که دختر و پسر را برای کارهای خوب و انجام تکالیف شخصی تشویق می‌کنم، در برابر مشکلات و اشکالات آن‌ها هم واکنش نشان می‌دهم و موضع می‌گیرم. مثلاً در رابطه با امور مذهبی و عبادی از وقتی دخترم به سن تکلیف رسید اگر بی‌تفاوتی می‌کرد نسبت به نماز و روزه و حجاب، چندبار تذکر می‌دادم اگر تکرار می‌کرد، اخم و اظهار دل‌گیری می‌کردم؛ در یک‌مورد که درست نشد به تأدیب پرداختم تا نهایتاً اصلاح شد.

آنچه تا بدین‌جا عنوان شد، مجموعه‌ای از تجارب تربیت مادران بود که در قالب مضامین فرعی و اصلی گرد آمده بود؛ تجمیع شده این مضامین در جدول ذیل مورد اشاره قرار گرفته است.

مضامین اصلی	مضامین فرعی
<ul style="list-style-type: none"> <li>● بهره‌جویی از فضاها و مراسمات مذهبی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● گردشگری مذهبی</li> <li>● حضور در مراسمات دینی</li> <li>● برگزاری باشکوه جشن تکلیف</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● بهره‌گیری از سرگرمی‌ها و ابزارهای کودکانه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● ادبیات (داستان و شعر)</li> <li>● بازی (حرکتی، فکری، نمادین)</li> <li>● کاردستی و نقاشی</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● استفاده از مشوق‌ها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● مشوق‌های مادی</li> <li>● مشوق‌های معنوی</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● مشارکت‌طلبی و تکلیف‌سپاری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● دعوت به همکاری</li> <li>● تکلیف‌سپاری</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● الگودهی و مراقبت بر الگوها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● مواظبت بر الگوهای بیرونی و ارتباطات واقعی</li> <li>● ارائه الگوهای برجسته و مناسب</li> <li>● توجه به جایگاه الگویی اعضای خانواده</li> <li>● نظارت بر ارتباطات و رسانه‌های مجازی</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● تعلیم و تمرین</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● آموزش مستقیم</li> <li>● آموزش غیرمستقیم</li> <li>● آموزش عملی</li> <li>● تمرین و آماده‌سازی</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● نظارت و اصلاح</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● تذکر</li> <li>● تأدیب</li> </ul>

## بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، با توجه به جایگاه و تأثیر ویژه مادران در تربیت فرزندان، بررسی تجارب زیسته ایشان در مهیاسازی دختران خود برای انجام تکالیف عبادی مورد توجه قرار گرفت.

از تجزیه و تحلیل یافته‌ها، اولین مضمون اصلی که حاصل آمد، بهره‌جویی از فضاها و مراسمات مذهبی بود که این مضمون شامل سه مضمون فرعی گردشگری مذهبی، حضور در مراسمات دینی و برگزاری باشکوه جشن تکلیف بود. تجربه مادران در استفاده از فضاها و مراسمات خاص، قانداً مبتنی بر این حقیقت غیرقابل‌انکار است که «فرازهای مختلف زمانی و موقعیت‌های گوناگون مکانی، منشا آثار متفاوتی بر انسان هستند و چنین نیست که



وضعیت‌های مختلف، بارهای مشابهی داشته باشند» (باقری، ۱۴۰۰: ۱۳۲). «انسان از شرایط مختلف محیطی اعم از شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. بنابراین و بر طبق این ویژگی باید ریشه برخی افکار، نیت و رفتارهای آدمی را در شرایط محیطی او جست‌وجو کرد» (باقری، ۱۴۰۰: ۱۳۴). بنابر تجارب موفق بیان شده در این پژوهش استفاده از مکان‌های مذهبی و مراسمات دینی و آیینی در راستای تربیت دینی فرزندان مورد تأکید است.

مضمون اصلی دیگر، بهره‌گیری از سرگرمی‌ها و ابزارهای کودکان بود که خود مضامین دیگری چون ادبیات (داستان/ شعر) بازی و کاردستی و نقاشی را در خود جای می‌داد. این ابزارها چنان با اهمیت‌اند که قرن‌ها پیش از چشم بزرگانی چون ابن‌سینا دور نمانده‌اند و ایشان بر کاربرد بازی، داستان و شعر برای کودکان بسیار تأکید کرده‌اند (رفیعی، ۱۳۹۸: ۱۱۴). چرا که کودکان در طی بهره‌گیری از هرکدام از این مضامین یا قالب‌ها، از نظر شناختی، اجتماعی، هیجانی و جسمانی رشد می‌کنند، لذت می‌برند و تربیت می‌شوند و آموزش می‌بینند. این ابزارها قابلیت طرح و رنگ‌پذیری نیز دارد؛ یعنی می‌توان با اندکی خلاقیت، جهت فرهنگی و دینی به آن‌ها بخشید و بیشترین استفاده را از آن‌ها در راستای تربیت و همین‌طور نشاط کودکان برد.

مضمون کلی دیگر، استفاده از مشوق‌ها بود. تشویق کودکان به انجام تکالیف و وظایف الهی، از سوی مادران به شیوه‌های مختلفی صورت پذیرفته، که در دو قالب کلی مادی و معنوی بدان‌ها پرداخته شد. مشوق‌ها و محرک‌ها انگیزه یادگیری و حرکت و عمل را در کودکان و نوجوانان موجب می‌شوند و در کنار تنبیه‌ها، به نوعی ضمانت اجرای اعمال آموخته شده هستند. البته در کاربرد تشویق‌های مادی باید دقت داشت که «اگر تشویق مادی بیش از اندازه معمول باشد، باعث می‌شود انگیزه فرد در انجام رفتار عبادی تنها برای به دست آوردن پاداش باشد؛ در نتیجه ممکن است با از میان رفتن تشویق و تنبیه، رفتار مذکور نیز از میان برود» (داوودی، ۱۳۹۰: ۲۱۲). همچنین تشویق‌های مادی ممکن است فرد را وابسته کرده و به آن عادت دهد، افزون بر آن، همراه کردن علم، آموزش و مسائل بالارزشی از این دست با مشوق‌های مادی، شاید از ارزش این امور بااهمیت بکاهد (حسینی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۳). بنابراین باید توجه داشت که تشویق مادی فرزندان به اندازه و بجا باشد و در کاربرد این شیوه افراط صورت نگیرد.

مشارکت‌طلبی و تکلیف‌سپاری مضمون دیگری بود که دو مضمون فرعی دیگر یعنی

دعوت به همکاری و تکلیف‌سپاری را در برمی‌گرفت. تجربه مادران در این شکل از مواجهه با دختران خویش، مبتنی بر این حقیقت بوده که از همان اوان کودکی باید جامعه مسئولیت‌پذیری در برابر خداوند و انسان‌ها و حتی طبیعت را بر تن فرزندان پوشید و ایشان را مکلف و مسئول بارآورد. برای این منظور هم می‌توان مسئولیت‌هایی را متناسب با سن، خصوصاً از ۷ سالگی به بعد که براساس روایات، سن اطاعت‌پذیری کودک است (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۲۱: ۴۷۶)، برای کودک تعریف کرد و از او برای انجام دادن و ندادن کارها بازخواست کرد و هم می‌توان در سنین پایین‌تر او را در امور مختلف مشارکت داد و لذت توجه و توانایی انجام کار را بر کام او نشان داد. چنان‌که برخی از مادران مورد مصاحبه به این امر واقف بوده و بدان پرداخته‌اند.

مضمون اصلی الگودهی و مراقبت بر الگوها و چهار مضمون فرعی آن یعنی مواظبت بر الگوهای بیرونی و ارتباطات واقعی؛ ارائه الگوهای برجسته و مناسب؛ توجه به جایگاه الگویی اعضای خانواده؛ نظارت بر ارتباطات و رسانه‌های مجازی؛ دسته دیگر مضامین استحصال شده را شامل می‌شوند.

در طی مصاحبه‌ها مشخص شد که مادران به علم و تجربه به درستی دریافته‌اند که الگوها بر تربیت به‌طور کلی و تربیت عبادی و اعتقادی فرزندان‌شان به‌طور خاص تأثیر گذارند. «این واقعیت را که یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران به یادگیری می‌پردازد را بندورا نیز در نظریه یادگیری اجتماعی خود مورد توجه قرار داده است» (سیف، ۱۳۹۹: ۱۳۳). با توجه به این حقیقت وجودی نوع انسان، نظارت بر الگوهای بیرونی فرزندان اعم از دوستان و معاشران و اقوام، و الگوهای مجازی اعم از دوستان مجازی و سلبریتی‌ها و حتی بلاگرها و... از ضروری‌ترین امور در راه تربیت دینی و اخلاقی فرزندان است. در این راستا، از نقش الگویی اعضای خانواده نیز نمی‌توان غافل بود، کودکان و نوجوانان به‌شدت از رفتار و عملکرد پدر و مادر و خواهر و برادر بزرگ‌تر خود، نیز تأثیر می‌پذیرند، براین اساس والدین باید پیش از تربیت فرزندان خویش، در رشد و ارتقاء اخلاقی و معنوی خود بکوشند. اما تمام بحث از نقش الگوها در تربیت، در این موارد خلاصه نمی‌شود؛ از مسائل مهمی دیگری که مادران نیز بدان توجه داشته‌اند ارائه الگوهای برجسته و مناسب به فرزندان در راستای تربیت دینی و عبادی ایشان بوده است.

آموزش مستقیم، آموزش غیرمستقیم، آموزش عملی و تمرین و آماده‌سازی نیز

چهار مضمون فرعی بودند که در قالب مضمون اصلی تعلیم و تمرین جای گرفتند. یکی از واقعیت‌های مرتبط با انسان این است که انسان ذاتاً آراسته به دانش و مهارت و فضایل نیست و باید برای کسب هر یک از این امور تحت تعلیم قرار گیرد و به تمرین بپردازد. تعلیم هم می‌تواند شکل مستقیم و رسمی داشته باشد، و هم می‌تواند در طی تعاملات غیر رسمی و با استفاده از ابزارهای آموزشی غیررسمی مانند نامه و یادداشت‌نویسی و خاطره‌گویی و ... صورت پذیرد. افزون بر این آموزش شکل عملی نیز می‌تواند به خود بگیرد. آموزش عملی یعنی مربی عمل را انجام دهد و کودک ببیند و بیاموزد و یا از فرزند بخواهد که این کار را انجام دهد و آنچه را آموخته با رفتار و عمل به نمایش بگذارد «آموزش عملی چون با حواس انسان سر و کار دارد، عمیق‌تر و ماندگارتر است؛ از این‌رو اگر مسائلی را که به صورت نظری نیز می‌توان آموزش داد، به صورت عملی آموزش داده شود، انتقال آموزش بهتر صورت می‌گیرد و اثر آن ماندگارتر است» (حسینی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۱). البته آموزش یک روی سکه تعلیم است و روی دیگر آن، ایجاد بستر تمرین و آمادگی در کودکان و نوجوانان است. چرا که «یادگیری رفتارهای عبادی و پای‌بندی به آن‌ها امری تدریجی است. فرد با تکرار و تمرین منظم به تدریج رفتارهای عبادی و نکات و ظرایف موجود در آن‌ها را می‌آموزد، بر آن‌ها تسلط می‌یابد و به آن‌ها عادت می‌کند و بدین‌صورت، رفتارهای عبادی بخشی از شخصیت او می‌شود» (داودی، ۱۳۹۰: ۲۰۹). براین اساس از مهم‌ترین و بدیهی‌ترین وظیفه مادران در راه تکلیف‌پذیر ساختن فرزندان، هم آموزش آن‌هاست و هم فراهم کردن بستر تمرین و آمادگی برای ایشان.

نظارت و اصلاح آخرین مضمون اصلی حاصل شده بود که با دو مضمون فرعی تذکر و تأدیب همراه شد. درباره این بخش نیز باید گفت که در مسیر انجام تکالیف عبادی، به مانند دیگر تکالیف، فراموشی، سستی، خستگی و خطا امری طبیعی است. در برابر این‌گونه مسائل، همان‌گونه که در نقل قول‌ها نیز مشخص است، مادران بی‌تفاوت نبوده و با وقوف بر شان نظارتی خویش به موضع‌گیری، تذکر و تأدیب پرداخته و می‌پردازند. تذکر در واقع گفتار و یا رفتاری است که از مربی سر می‌زند تا مربی را نسبت به آنچه که از یاد برده و یا از آن غفلت کرده و یا از آن بی‌خبر است، آگاه سازد و احساسات او را در قبال آن برانگیزد؛ نتیجه این‌روش هوشیار شدن و متذکر شدن مربی و ایجاد نوعی بیداری برای طی مسیر در اوست (قائم‌مقدم، ۱۳۸۷: ۹۱). در تأدیب نیز هدف اصلاح

اشتباهات و خطاهای فرزند و مربی است؛ بنابراین براساس اصولی باید صورت پذیرد. اول اینکه والد پیشتر در مورد رعایت آن موضوع خاص به فرزند تذکر داده باشد و با تأدیب به دنبال تخلیه روانی خود و خالی کردن خشمش یا خشم خود نباشد، و دیگر آنکه، بهتر است تأدیب در حد اخم، روی برگرداندن و محرومیت‌های موقتی باقی بماند و اگر این موارد به نتیجه نرسید تنبیه بدنی با شرایطی صورت پذیرد.

با نظر به تحقیقات صورت گرفته که در پیشینه نیز بدان‌ها اشاره شد، می‌بینیم که نتایج پژوهش غلامی و همکاران (۱۳۹۸) در تأکید بر اقدامات قبل از سن تکلیف (بر شمردن نعمت‌های خداوند، خریداری کتاب شعر مصور نماز، آشنایی کودک با مفهوم حیا، دعوت به ادای نمازهای قضای صبح) و در برنامه‌های سن تکلیف (برگزاری مفصل جشن تکلیف و ادامه کلاس‌های قرآنی) با یافته‌های پژوهش حاضر در توجه به سنین پیش از تکلیف در راستای تربیت عبادی و بهره‌گیری از شعر و برگزاری جشن تکلیف همخوانی دارد. شریفی دروازه و همکاران (۱۳۹۸) در کنار روش‌های مختلفی که برای آموزش دینی عنوان کرده‌اند به مانند پژوهش حاضر بر داستان گویی تأکید داشته‌اند.

ادیب و ضرغامی (۱۳۹۳) معرفی مکان‌ها و اعمال مقدسی مانند نماز و ایجاد خاطرات زیبا از آن‌ها، و توجه به جنبه معنوی تعطیلات مذهبی، احترام به حقوق دیگران، قصه‌گویی و دعا را در تربیت دینی مؤثر می‌دانند که نتایج تحقیق حاضر نیز با برخی از این موارد همچون استفاده از فضاها و مکان‌های مذهبی و قصه‌گویی همخوانی دارد. شکراللهی (۱۳۹۲) نیز بر این تأکید دارد که در بین فروع دین، نماز و روزه بیش از دیگر اعمال عبادی، ضرورت آموزش به کودکان از دوران کودکی را دارند» که در پژوهش حاضر نیز مادران به این مهم آگاه بوده و پیش از سن تکلیف آموزش و تربیت عبادی را با شیوه‌های مختلف پیاده کرده‌اند. ملکی و همکاران (۱۳۹۰) به‌طور کلی ضرورت تربیت عبادی کودکان، ضرورت بیان فلسفه اعمال عبادی و مسئولیت والدین را مورد بررسی قرار داده‌اند که در پژوهش حاضر نیز به ضرورت تربیت عبادی و مسئولیت والدین در این زمینه پرداخته شد. طیارپور (۱۳۹۶)، کرمی و همکاران (۱۳۹۵)، بختیاری (۱۳۹۱)، لاینز (Lines, 2006)، اسکات و همکاران (Scott, et al, 2007)، برترام تروس و همکاران (Bertram-Troos, et al, 2007) و آران و نایب (Aran & Nayeb, 2018) بر الگو بودن والدین و به شکل خاص نقش مادران در ابعاد مختلف تربیت از جمله تربیت دینی و

عبادی اشاره داشته‌اند، که در پژوهش حاضر نیز مادران به آن واقف بوده و آن را مورد اشاره قرار دادند. بانل و همکاران (Bunnell, et al, 2018) نیز به مانند پژوهش حاضر باروش پدیدارشناسانه به دنبال توصیف تجارب والدین در تربیت دینی فرزندان براساس دین مسیحیت بوده‌اند. البته غالب راهکارهای عنوان شده از سوی مادران، در کتب و مقالات مختلف تربیتی به شکل کلی مورد اشاره قرار گرفته است. اما دلیل اهمیت نتایج این پژوهش از آن روست که در عالم واقع از سوی تعدادی از مادران تجربه شده و به نتیجه مطلوب منجر گشته است.

در این جایگاه و با توجه به نتایج این پژوهش، توجه به دو نکته مهم از سوی مربیان و والدین به‌خصوص مادران، ضرورت دارد: اول اینکه تربیت عبادی فرزندان را به تعویق نیندازند و به آینده موکول نکنند، چون انسان در سنین کودکی مانند موم نرمی است که هیچ شکل و نقشی ندارد و هر شکلی که به او داده شود را می‌پذیرد و همان می‌شود؛ این درست عکس دوران بزرگسالی است؛ چون در بزرگسالی شخصیت انسان شکل گرفته و به‌سختی تغییر می‌یابد. بنابراین اگر شخصیت کودک، طی نخستین سال‌های زندگی چنان که باید قوام نیابد و به بعد تربیت دینی و عبادی او توجه نشود، قطعاً در سنین بالاتر در انجام وظایف دینی خود به مشکل برخورد و سستی و ضعف بر او غلبه خواهد کرد و به مانند دوران کودکی تن به تربیت نخواهد داد. نکته دیگر اینکه در مسیر تربیت دینی و عبادی، به یک روش و شیوه خاص و محدود، مانند آموزش مستقیم، بسنده نکنند و به‌راهکارهای مختلف متوسل شوند و متوجه عواطف و احساسات و علائق کودکان نیز باشند و در تربیت خود آن‌ها را همچون مادران مورد مصاحبه، مدنظر قرار دهند.

امید است، انجام این پژوهش افق‌های جدیدی را در تربیت دینی و عبادی بگشاید و توشه‌ای هر چند اندک باشد برای بهره‌گیری مادران در طی این مسیر سخت و انجام این وظیفه خطیر.

## تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از مادران حاضر در هیأت رزمندگان شهر مقدس قم که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند و تجارب خویش را در اختیار پژوهشگران قرار داده‌اند، تقدیر و تشکر می‌شود.

## قرآن کریم

ادیب، مریم و ضرغامی، نرگس. (۱۳۹۳). تربیت دینی کودک و نوجوان: نکته‌ها و روش‌ها. تهران: وزارت آموزش و پرورش.  
اعراف، علیرضا و ابراهیمی، جواد. (۱۳۹۸). وظیفه خانواده در تربیت دینی فرزندان از منظر سیره. مطالعات فقه تربیتی. ۸۷-۶۳. (۱۱)۶.

باقری، خسرو. (۱۴۰۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. جلد ۱. تهران: مدرسه بهران.  
بختیاری، حسن. (۱۳۹۱). آموزش‌های دینی زنان مقدمه تربیت دینی فرزندان (مطالعه موردی زنان شهر تهران). پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. ۱۹ (۱۳). ۷۰-۵۷.

پناهی، علی احمد. (۱۳۹۴). بررسی ظرفیت‌های مادران در تربیت اجتماعی فرزندان با تکیه بر یافته‌های دینی و علمی. اسلام و علوم اجتماعی. ۷ (۱۴). ۱۱۳-۹۳.

حراملی، محمدبن حسن. (۱۳۶۷) وسائل الشیعه. جلد ۲۱. قم: مؤسسه آل‌البیت.  
حسینی زاده، سیدعلی. (۱۳۹۰). نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

داودی، محمد. (۱۳۹۰). نقش معلم در تربیت دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.  
رفیعی، بهروز. (۱۳۹۸). مربیان بزرگ مسلمان. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

زین‌جوی‌الوار، مریم و فیاض، ایراندخت. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین روش‌های تربیتی مادران با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۲ (۲). ۳۷-۶۰.

سیف، علی اکبر. (۱۳۹۹). روان‌شناسی تربیتی. تهران: دانشگاه پیام‌نور.  
شریفی دروازه، مریم و نصرافهانی، احمدرضا و میرشاه جعفری، ابراهیم. (۱۳۹۸). واکاوی روش‌های آموزش دینی مبتنی بر تجربه زیسته آموزگاران و متخصصان علوم دینی و تربیتی. تربیت اسلامی. ۱۵ (۳۴). ۲۹-۷.

شکراللهی، مهدی. (۱۳۹۲). مراحل تربیت عبادی معنوی با تأکید بر نماز و روزه. معرفت. ۱۹۴. ۲۹-۴۳.  
صالحی‌زاده، محمد اسماعیل و محمدی، روح‌الله. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی تربیت دینی جوانان در مسائل عبادی از دیدگاه آیات و روایات. آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث. ۱ (۱). ۱۴-۱.

طیاری‌پوراحمدی، معظمه. (۱۳۹۶). اهمیت نقش مادر در تربیت دینی فرزندان، کنگره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه، دوره ۲.

طهماسب‌نژاد، صبور، آراین، خدیجه. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری مادران با پایگاه هویت و دینداری دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۵ (۳): ۱۰۰-۸۳.

عباس‌زاده، محمد. (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. جامعه‌شناسی کاربردی. ۲۳ (۱). ۳۴-۱۹.  
غلامی، سمیه و ذاکری، مختار و زینلی، فاطمه. (۱۳۹۸). مطالعه چگونگی نهادینه کردن نمازخوانی فرزندان نوجوان توسط والدین. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۴ (۳). ۱۱۹-۱۴۲.

قائم‌ی مقدم، محمدرضا. (۱۳۸۷). روش تربیتی تذکر در قرآن کریم. تربیت اسلامی. ۳ (۶). ۵۷-۹۲.  
کرمی، فرشاد، عطایی، محمدرضا، هاشم‌زاده، آرش و اعزازی، یوسف. (۱۳۹۵). مادران چگونه در تربیت دینی فرزندان خود در خانواده نقش ایفا می‌کنند. اولین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم اجتماعی.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۷). کافی. جلد ۲. تهران: گلگشت.  
ملکی، حسن و شاملی، عباسعلی و شکراللهی، مهدی. (۱۳۹۰). تربیت عبادی کودکان. اسلام و پژوهش‌های تربیتی. ۳ (۵). ۱۰۵-۱۳۲.

نهج‌الفصاحه. (۱۳۸۲). ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: دنیای دانش.  
یزدخواستی، علی و بابایی فرد، اسداله و کیانی، اعظم. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی دانشجویان دانشگاه کاشان. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۳ (۴). ۱۲۹-۱۵۲.

## REFERENCES

- Aran.H & Naye bkabir. M. (2018). Role of Parents in Religious and Social Education of Children. *International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding*. 5(3). 180-191.  
Bunnell, P Yocum, R; Koyzis, A; Strohmeyer, K. (2018). Parental Involvement in Elementary Children's Religious Education: A Phenomenological Inquiry. *Journal of Research on Christian Education*, v27 n1 p1-19.  
Bertram-Troos. G, Roos. S, Miedema. S. (2007). Religious Identity Development of Adolescents in Christian Secondary Schools: Effects of School and Religious Backgrounds of Adolescents and Their Parents. *Religious Education*. 102(2).132-150.  
Lines, D. (2006). *Spirituality in Counseling and Psychotherapy*. Thousand Oaks, CA: Sage.  
Scott, L., Munson M., McMillen, C., & Ollie, M. (2007). Religious involvement and its association to risk behaviors among older youth in foster care. *American Journal of Community Psychology*, 38(3-4), 223-234.